

کد خبر : 84474

تاریخ خبر : دوشنبه، 22 شهریور 1389

فلسوفی علیه فلسفه

حسین مصباحیان

نشر کوچک

دیتر میسگلد (Dieter Misgeld)، استاد بازنشسته دانشگاه تورنتو که در روزهای آغازین جنگ جهانی دوم در سال 1938 به دنیا آمده است، به گسترهای وسیع از موضوعات علاقه‌مند است: هرمنوتیک، تئوری انتقادی مکتب فرانکفورت، فلسفه و جامعه‌شناسی مدرن آلمانی، تئوری‌های مربوط به حقوق بشر، مدرنیته و پروژه سیاست رهاییبخش، دموکراسی و هویت‌های پساملی.

وی که در هایدلبرگ شاگرد گادامر بوده است، رساله دکتری خود را در فلسفه تحت راهنمایی او درباره «مفاهیم گناه و خودآگاهی در هستی و زمان هایدگر و مقایسه آن با اخلاقیات کانتی» نوشته و سمینارهایی با هابرماس در فرانکفورت داشته است. وی از همان دوران دانشجویی‌اش به مسائل سیاسی و اجتماعی توجه خاصی داشته است. اما با خواندن تئوری انتقادی، بویژه آدورنو و آشنایی با هابرماس، رفته رفته علاقه‌اش به فلسفه کاهش و به تئوری‌های اجتماعی و سیاسی افزایش یافت. این روند با مهاجرت او به کانادا و بویژه تحت تأثیر فرهنگ مبارزاتی امریکای لاتین و سنت پراگماتیستی امریکا و چهره‌های اصلی آن یعنی دیوئی و رورتی بیشتر از پیش تکمیل شد تا جایی که امروز دیگر مدعی است که فلسفه نمیتواند مفید باشد. ادعایی که هم مخالفان زیادی دارد و هم از استحکام چندانی برخوردار نیست. حسین مصباحیان پس از مقدمه‌های خواندنی در کتاب خود، که در واقع متن بازنویسی شده، گسترش یافته و ترجمه شده سخنان وی در مراسم بازنشستگی میسگلد، در دانشگاه تورنتوست، در دو فصل اول کتاب، «درباره یک تفکر، یک متفکر: دیتر میسگلد و اصل اتوپیا»، و «از سنت اروپایی اهمیت فلسفه تا اهمیت سیاسی مسائل دنیای مدرن»، میکوشد تصویری کلی و تا حد امکان واقعی از زندگی و تحولات فکری میسگلد ارائه دهد.

اندیشمندی که هنوز در هفتاد سالگی نیز از ضرورت انقلاب سخن میگوید و این ضرورت را مستند به تفکر فلسفی - سیاسی و سنجش عالمانه وضعیت ناعادلانه جهان میکند.

فصل دوم در واقع حاصل گفت‌وگویی با میسگلد است که در صدد استخراج سوابق فلسفی و سیاسی و نیز نگاه نامعمول وی به مسائل هستی است. در فصل سوم، «تجربه دل‌بستگی و جدایی از گادامر: فرهیختگی در آموزگاری، محافظه‌کاری در سیاست»، علاوه بر مسائل عام مرتبط با هرمنوتیک و مقالات

خاص میسگلد در مورد گادامر و هرمنوتیک، تأکید ویژه‌ای بر تفسیر میسگلد از بینش سیاسی گادامر شده است.

فصل چهارم گفت‌وگویی است با عنوان «با هابرماس و پروژه ناتمام مدرنیته: در ضرورت عذرخواهی فروتنانه بزرگ اروپا از جهان» که به بررسی فلسفه و تئوری اجتماعی هابرماس بویژه تئوری مدرنیته ناتمام او میپردازد. در این بخش مسائلی نظیر ریشه‌های تاریخی مدرنیته، مبنای فلسفی مدرنیته یعنی سوژکتیویته که نخستین بار توسط هگل مفهوم‌پردازی شد، تقابل مفروض یا موجود بین ذهن بنیادی انسانی و نام خدا با تکیه بر تفسیری از کتاب کیرکگارد آدورنو مورد توجه و بحث قرار گرفتند. رویارویی روشنفکران ایرانی با مدرنیته و به تبع آن سؤالاتی نظیر جهانشمولی مدرنیته، روایت‌های غیرغربی از مدرنیته، رابطه بین سکولاریزاسیون و غربگرایی، امکان تفکیک وجوه سلطه‌گرایانه و رهاییبخش مدرنیته و نیز امکان استفاده از نقدهای پست‌مدرن به مدرنیته برای روشنفکران جوامعی مانند ایران بخش دیگری از این گفت‌وگوست. «مبارزات حقوق بشری: کرامت انسانی، جهانی شدن و عدالت جهانی» و «تجربه امریکا و الهیات رهاییبخش: در ضرورت گفت‌وگو با جان و جهان ستم‌دیده»، عنوان دو فصل پایانی کتاب «دیتر میسگلد: فیلسوفی علیه فلسفه» اند که مباحثی چون حقوق بشر، جهانی‌شدن و نهضت‌های «ضد جهانی شدن»، گفت‌وگوی بینفرهنگ‌ها و الهیات رهایی‌بخش را در اندیشه میسگلد مورد بررسی قرار میدهند. این کتاب همچنین ضمیمه‌ای به زبان انگلیسی دارد که شامل مقدمه مجموعه، خلاصه‌ای از کتاب و گزیده‌ای از کتابشناسی میسگلد است.

